

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۱

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهری

(مطالعه موردی: شهر ایلام)

زهرا صفایی پور^۱

چکیده

مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه به‌ویژه توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری کشور، بحث مشارکت پایدار مردم در همه‌ی بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری است. نقش مشارکت مردم در توسعه و رابطه متقابل دولت و مردم مشارکت‌کننده در توسعه یکی از عوامل بسیار مهمی است که باید در هر برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد توجه واقع شود. مشارکت به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه شهری به شمار می‌رود. بطوری که بدون مشارکت مردم، توسعه پایدار شهری امکان‌پذیر نیست. هدف از این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهری ایلام می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری محلات سطح شهر ایلام می‌باشد. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌بندی شده است. پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷۴ مورد سنجش قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار لیزرل، SPSS و آزمون آماری معادلات ساخته شده و همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که مشارکت مردمی در توسعه شهر ایلام دارای تأثیر مثبت و معناداری می‌باشد. همچنین تعلق اجتماعی و میزان مشارکت آنها، همبستگی و تعاملات مردمی، سطح رضایتمندی مردمی از زندگی‌شان و تمایل به مشارکت، جنسیت و تحصیلات در توسعه شهری ایلام تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی شهری، مشارکت، مشارکت مردمی، توسعه شهری، شهر ایلام.

مقدمه

مشارکت وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه بشری و یک ارزش مستقل در

^۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. Email: safaepor339@yahoo.com

توسعه جوامع شهری به حساب می‌آید (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). امروزه مشارکت مردمی، یکی از راه‌های رسیدن به پیشرفت و توسعه می‌باشد. با مطالعه سیر تکاملی جوامع بشری مشاهده می‌شود که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسان‌ها در جریان زندگی خود با یکدیگر مشارکت و همکاری داشته‌اند. شهر به عنوان سیستمی به هم پیوسته از عناصر انسانی و طبیعی، مؤثرترین فضا در ارائه امکانات و خدمات رفاهی و زیستی به اجتماعات انسانی است (رهنما، ۱۳۷۷: ۶۸). در واقع شهر به عنوان یک فضای جغرافیایی دارای پایگانی است که شامل: منطقه، ناحیه، محله، بلوک و واحدهای مسکونی می‌باشد. ویژگی عصر ما شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۷). رشد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آن‌ها را گریزناپذیر ساخته است. یکی از موضوعات مهم و حیاتی امروز شهرهای کشور، گسترش نقش مردم در فرایند توسعه شهری است. مقوله مشارکت در جامعه ما نیز با مسائل آشکار و پنهانی روبروست که در حال حاضر تبدیل به یکی از موضوعات مهم مدیریت شهری خاصه در فرایند تحقق توسعه شهری شده است (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۲). توسعه شهری نیز به عنوان یکی از ابعاد توسعه، با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه است که برای تحقق آن نیز شکل‌گیری و تقویت مشارکت مورد نیاز است. توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی افراد از ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه شهروندان به زندگی بهتر است که لازمه تحقق آن، می‌تواند تقویت مشارکت مردمی باشد. مهمترین بخش در توسعه شهری، شهروندان می‌باشند. هر چقدر هم که مدیران و برنامه‌ریزان پیشنهادات و برنامه‌های

خود را جهت تحقق توسعه اعمال نمایند، مادامی که شهروندان و مردم مایل به همکاری نباشند، اهداف پایداری محقق نخواهد شد. لذا در این راستا مشارکت آحاد مردم و شهروندان موردنیاز است. مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چندصدایی بودن در حوزه عمومی جامعه است و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آنها مؤثر است، تأثیرگذار باشند (بردی-آنامرادنژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۸). تصمیم‌گیری‌های توسعه بایستی دربرگیرنده‌ی همه سطوح فعالیت و مکانی باشد. بررسی‌ها در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که مؤلفه کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه‌ای، درگیر ساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه‌های مختلف است (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). امروزه در کشورهای در حال توسعه مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود، بلکه در عمل معلوم شده است حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی بدون مشارکت مردم میسر نیست (پاپلی‌یزدی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۳۵). به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت، موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد و به عنوان یک عنصر حیاتی در فرایند مدیریت شهری، حلقه گمشده فرایند توسعه شهری محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مردم در امور شهر می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای ایفا نماید. رابطه شهر و شهروندی دوسویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و امکان‌ناپذیر دارد. ضرورت و اهمیت مشارکت واقعی تمام افراد جامعه در گستره فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌منظور دستیابی به توسعه شهری و همه‌جانبه بر کسی پوشیده نیست. ضرورت روی آوردن به مشارکت و توسعه مشارکتی در اندیشه و نظریه‌ها و نهادهای بین‌المللی و ملی به‌ویژه در جهان سوم بازتاب دارد (جمشیدزاده و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹). هدف اصلی این تحقیق، درک ارتباط مشارکت مردم با روند توسعه شهر و لزوم پایداری شهری، شناخت شاخص-

های مناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شناسایی عوامل مهمی که می‌تواند بر مشارکت مردمی و توسعه شهر ایلام تأثیر مثبتی داشته باشند. در همین راستا شهر ایلام با جمعیت ۱۹۴۰۳۰ نفر به عنوان محدوده مطالعه مورد انتخاب گردید. از آنجایی که شهر ایلام دارای پتانسیل‌های بالایی در زمینه گردشگری است و به‌عنوان مرکز استان به حساب می‌آید، از طرفی مهاجرت از سایر شهرستان‌ها سبب گسترش شهر (توسعه فیزیکی) و ایجاد محلات حاشیه‌ای شده است. که این مسائل توسعه شهر را به چالش کشیده است. این موضوع خود، مسائل متعددی را به وجود آورده است. طبیعتاً تعاملات قوی اجتماعی گذشته و حس همبستگی آن زمان به هیچ‌وجه نمی‌تواند ضمانت اجرایی برای زمان‌های آتی باشد؛ مشارکت اهالی محله‌های شهر در امور مرتبط با محیطی سکونت آنها، نوعی توانمندسازی آنها در قالب یک مهارت به منظور برعهده گرفتن مسئولیت بیشتر است. این امر به پذیرش و حمایت از پروژه‌های شهری و موفقیت مسئولین و مجموعه مدیریت شهری می‌انجامد. درواقع امروزه اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه‌ی شهری مشهود می‌باشد و به‌عنوان یک مسأله اساسی دارای اهمیت می‌باشد. بنابراین هدف این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهری شهر ایلام می‌باشد. بطوریکه این پژوهش سؤالات زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- آیا بین مشارکت مردمی و توسعه شهری تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین احساس تعلق اجتماعی و میزان مشارکت آنها در توسعه شهر ایلام تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین همبستگی و تعاملات اجتماعی مردمی و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؟
- ۴- آیا بین سطح رضایتمندی مردمی از زندگی‌شان و میزان مشارکت آنها در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری دارد؟

- ۵- آیا بین جنسیت و میزان مشارکت تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؟
- ۶- آیا بین تحصیلات و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهری تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مشارکت و دیدگاه‌های آن

در فرهنگ‌های لغت فارسی مشارکت به معنی شریک ساختن، باهم شریک شدن، شرکت کردن باهم، عمل یا فرآیند شرکت کردن، همدستی، تعیین سود یا زیان دو یا چندتن که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، توانمندسازی، بسیج مردم، مسئولیت‌پذیری، خودگردانی، تقسیم‌کار، انسانی‌کردن، خودیاری، خودتکایی و عدم‌تمرکز آمده است. واژه مشارکت از حیث لغوی به- معنای درگیر شدن و تجمع برای منظور خاص است (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۸۷). در تعاریف دیگر، مشارکت به معنای به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهم‌شدن در یک اقدام جمعی است (معنی، ۱۳۸۹: ۱۲). در مورد معنای اصطلاحی آن بحث- های فراوانی شده است؛ ولی در مجموع می‌توان جوهره‌ی اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست. با پذیرش این جوهره، برخی از صاحب‌نظران مدیریت، تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده‌اند: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آن را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۵). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت‌درک عمیق‌تر تعاریف متعددی از مشارکت مردمی مطرح گردیده است. شری ارنشتاین به ساده‌ترین شکل آن را قدرت شهروندان می‌داند (Arnstein, 1969: 216). با گسترش مفهوم مشارکت در میان دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران

توسعه و به ویژه توسعه‌ی پایدار، عده‌ی زیادی از فعالان توسعه به ارائه راهکارهای علمی و منطقی در راستای ترغیب و تشویق به مشارکت و از طرفی اهمیت موضوع مشارکت در توسعه پرداخته‌اند (لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱ و ۱۲۶). مشارکت لازمه‌ی توسعه‌ی شهری است و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی در جوامع شهری، سبب ارتقای کیفی جوامع شهری و گرایش به توسعه‌ای خودجوش از درون جامعه می‌گردد. مشارکت، مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین‌به‌بالا و ارتباط بین همه‌ی مؤلفه‌های موجود در این زمینه وجود دارد (Wang Xiaojun et al, 2008: 68). بنابراین مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه به‌ویژه در توسعه‌ی شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت مردم و شهروندان در هر یک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی باعث بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالارفتن سطح امید به زندگی می‌شود.

سانوف^۱ معتقد است مشارکت مردمی به معنی همکاری مردم در دنبال‌نمودن اهدافی است که خود را تعریف کرده‌اند (Sanoff, 2000: 39). پریسکولی^۲ مشارکت مردمی را رابطه‌ای دو طرفه شامل کسب اطلاعات از مردم و در ادامه ارائه ایده‌ها، مشکلات و نگرانی‌ها به آنان، تعریف نموده است (Delli Priscoli, 2003: 61) انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی، مشارکت مردمی را به کمک تعریف ارزش‌های اصلی آن بیان نموده است:

- مردم باید قدرت و اختیار تأثیر بر روی تصمیمات مؤثر بر زندگی را داشته باشند؛

^۱ . Sanoff

^۲ . Priscoli

- تسهیل‌کننده نقش و دخالت مردمی است که به صورت بالقوه تحت تأثیر تصمیمات قرار می‌گیرند؛

- انتقال‌دهنده علایق و نیازهای همه مشارکت‌کنندگان است؛

- مشارکت‌کنندگان را از چگونگی تأثیر مشارکت‌شان در تصمیمات آگاه می‌نماید؛

- اطلاعات لازم برای مشارکت را به صورت مؤثر برای مشارکت‌کنندگان فراهم می‌آورد (شرفی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۷). در دیدگاه جامعه‌شناختی، مشارکت؛ بر فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. این دیدگاه فرآیندهای ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، پویایی گروهی و منزلت اجتماعی را بر مشارکت مؤثر می‌داند. در دیدگاه روان‌شناختی، بر عوامل روانی و درونی تأکید می‌شود. ساخت انگیزشی افراد تعیین‌کننده رفتار مشارکتی آنان است (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲). در دیدگاه قدرت و مدیریت‌مداری بر شناخت مسائل شهری و فهم مشکلات در قالب برنامه-ریزی سازمانی تأکید شده است. هرچه اندازه سازمان، تراکم و ناهمگونی آن بیشتر باشد، بی‌تحریکی، بی‌سازمانی و بی‌هنجاری در آن گسترش می‌یابد (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰).

نظریه مشارکت شهری^۱

مشارکت شهروندان به عنوان نهضتی با هویت و سازمان یافته، به تجربه‌ی نوسازی شهری در آمریکا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی باز می‌گردد. در این دوره قوانین متعددی در زمینه‌ی مشارکت‌های مردمی در امور شهری

^۱. Urban Participation Theory

به تصویب رسید و زمینه‌ی دخالت مردم در سرنوشت خود فراهم گردید. اما مفهوم اصیل‌تر مشارکت در نیمه‌ی دهه ۱۹۶۰ میلادی در انگلستان طرح‌ریزی شد و سپس سایر کشورهای دموکراتیک از آن استقبال کردند. امروزه در کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود، بلکه در عمل معلوم شده است حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی بدون مشارکت میسر نیست. در آخرین اجلاس سازمان ملل در زمینه‌ی سکونتگاه‌های انسانی، دو طرح برای بهبود زندگی در جوامع شهری ارائه گردید که عبارتند از:

- افزایش کیفیت معیارهای عملکردهای مدیریت شهری.

- تشویق مشارکت‌های مردمی در امور شهری.

به عقیده‌ی دنیل اچ. استروب در کتاب "توسعه در سازماندهی شهرداری" دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را می‌توان به ۴ نظریه تقسیم نمود که عبارتند از:

۱- نظریه همراه‌ساختن: همراه‌ساختن ظاهری مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع متوسط آنها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده (مرادی، ۱۳۸۰: ۲۲۰). ۲- نظریه مشورتی: عقیده بر این است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی که به طبقه متوسط تعلق داشته و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد. این نظریه بر سه روند تأکید دارد: الف) اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود؛ ب) اخذ نظرات شهروندان؛ ج) لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه نهایی. ۳- نظریه درمان آموزشی: اجتماعی یا مدل یادگیری اجتماعی: ارتقاء وضعیت شهروندان از طریق آموزش و تربیت شهروندان مسؤل. اساس این نظریه در واقع دموکراسی می‌باشد. به عبارت دیگر دخالت مردم در

سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبود وضع آنان خواهد شد این مدل را به «مدل یادگیری اجتماعی» نیز می‌نامند. از مبتکران این نظریه می‌توان جان فریدمن را نام برد که معتقد است باید بین برنامه‌ریزان به عنوان وکلای مردم و مردم به عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند (Andrews & Herschel, 1997: 35). ۴-نظریه قدرت جامعه: این نظریه به طور کلی به صورت رایکال مطرح شده و با نظریه‌های دیگر متفاوت است. دارای دو رویکرد می‌باشد: رویکرد اول می‌باید در مردمی‌تر بودن هرچه بیشتر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیأت‌های سیاست‌گذاری مستقل در مناطق کم‌درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد (حناچی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴). رویکرد دوم با هدف افزایش کنترل شهروندان سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی می‌باشد. مشارکت شهروندی در امور توسعه شهری حداقل دارای شش سطح است: مشارکت شهری خودجوش، فعال، منفعل (مانند حضور فیزیکی شهروندان)، کارکردی، غیرمؤثر (مانند حضور مردم در نهادهای بدون حق رأی) و مشورتی (معصومی، ۱۳۹۰: ۳۲ و ۳۱).

انواع مشارکت

- مشارکت تحمیل شده^۱: نوعی از مشارکت است که از طریق برگزیدگان یا نخبگان، دیگران را می‌کشاند. در این نوع مشارکت که گاهی از تکنیک‌های روانی-اجتماعی یا مکانیسم‌های فرهنگی استفاده می‌شود، هدف مشارکت، لزوماً رفع نیازهای واقعی و انتظارات مشارکت‌کنندگان نیست (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۲).

- مشارکت ابزاری^۲: در این نوع مشارکت انسان‌ها وسیله هستند و غالباً ترجیح داده می‌شود که همه مردم بر اساس یک الگو رفتار کنند و مشابه هم باشند. در این

^۲. imposed participation

^۳. instrument participation

نوع مشارکت هم می‌توان از همبستگی‌های فرهنگی و اجتماعی استفاده نمود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۲).

- مشارکت توسعه‌ای^۴: این نوع مشارکت فرایندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همیشه، چندبعدی و چند فرهنگی. به عبارت دیگر؛ مشارکت توسعه‌ای می‌خواهد که همگان در همه مراحل توسعه درگیر شوند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۲).

سطوح مشارکت مردمی

یکی از مشهورترین نظریه‌ها در زمینه مشارکت مردمی، نظریه نردبان مشارکت شری ارنشتاین است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح گردیده است. وی مشارکت مردمی را در هشت درجه یا سطح تعریف نموده است که طیفی از فریب کاری تا اختیار کامل شهروندان را دربرمی‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

⁴. development participation



شکل (۱): سطوح و تکنیک‌های مشارکت

منبع: Delli priscoli, 2003:62

جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزان شهری

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساختی مشارکت، پذیرش اصل برابری در فرصت‌ها برای مردم است. بنا بر شواهد تاریخی، شهرها پویا هستند و همیشه در مسیر توسعه قرار دارند. یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری، بحث مشارکت پایدار مردم در بخش‌های مختلف شهری است. اصولاً اگر قرار باشد مشارکت را در یک رویکرد عمل‌گرایانه به عرصه‌ی برنامه‌ریزی شهری وارد کنیم، باید این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همه رفتارها و فعالیت‌های روزانه افراد و ساکنان شهری تعیین و تبیین شود. برنامه‌ریزی شهری دارای جایگاهی مهم و نقشی بلند در تکنیک برنامه‌ریزی کلان جامعه است. برنامه‌ریزی شهری با ارزیابی روند توسعه شهری بر نقش و مشارکت شهروندان در این عرصه نظریات ارزنده‌ای داشته‌اند. توسعه در گرو نوعی خاص از مشارکت، یعنی مشارکت سازمان‌یافته و همبسته، داوطلبانه،

خودجوش شکل می‌گیرد. مشارکت مردمی شرط اصلی توسعه شهری قلمداد می‌شود. برنامه‌ریزی حوزه‌ای است که نیازمند مشارکت است. یکی از اصول برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه‌جانبه‌ی افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه، می‌باشد. برنامه‌ریز باید برنامه‌های متنوعی برای حل مشکلات مردم پیشنهاد نماید. در این شرایط مردم بیشترین حق انتخاب را دارند و باید بتوانند آزادانه در برنامه‌هایی منطبق بر خواست‌ها اهدافشان است، شرکت نمایند. وظیفه اصلی یک برنامه‌ریز تعریف و تبیین اهداف نیست، دغدغه اصلی وی باید تعریف برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف باشد. او باید نخست تمام تلاش خود را به مردم اختصاص دهد و در درجه دوم به ساختمان‌ها و محیط فیزیکی شهر (Gans, 1969: 45).

توسعه شهری

طی چند دهه اخیر، به ویژه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون پارادایم و سرمشق جدیدی از مدیریت شهری مورد توجه فزاینده سازمان‌های بین‌المللی، حکومت‌های محلی (شهرداری‌ها)، مقامات محلی (شوراهای شهر) و شهروندان قرار گرفته‌است که در این پارادایم، «نقش‌ها و کارکردهای شهری» جدیدتری برای دخالت‌دادن نظام مدیریت شهری و شهروندان در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت هدایت درست و منطقی زندگی شهری در نظر گرفته شده‌است. توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی شهر از ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه شهروندان به زندگی بهتر، به نحوی که پایداری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و زیست-محیطی شهر فراهم آید (حقیقتیان و حیدرخانی، ۱۳۹۳: ۷۲). تا زمانی که مفهوم اجتماع پیدا نکند و به صورت گسیخته و غیر همه‌جانبه رشد کند مفهوم سازندگی شهر تحقق نمی‌یابد و امکان اثربخشی مؤلفه‌های توسعه کاهش می‌یابد. در مرحله

نخست باید همه شهروندان یک شهر، خواهان گسترش و رشد شهر و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات باشند تا این مؤلفه‌ها کارساز شوند. بنابراین مشارکت جمعی زیرساخت مؤلفه‌های توسعه شهری است و اگر مشارکت و آرمان برای توسعه وجود نداشته باشد امکان هدفمند وجود ندارد (میرزاابوطالبی، ۱۳۸۵: ۹).

به طور کلی، مدیریت شهری مبتنی بر دو پروژه اصلی که عبارتند از:

- «پروژه توسعه شهری»؛

- «پروژه مشارکت شهری».

از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری، این دو پروژه در حال حاضر ابزار کلیدی برای نظام مدیریت شهری هستند و از آنها می‌توان برای بهبود مدیریت شهری سود جست. توجه روزافزون نظام مدیریت شهری به پروژه توسعه شهری ناشی از سه پدیدار مهم «رشد فزاینده شهرنشینی»، «گسترش روند شهرگرایی» و «پیچیده شدن نظام جامعه شهری» است که این پدیدارها موجب شکل‌گیری پروژه توسعه شهری شده است؛ بنابراین پروژه توسعه شهری را می‌توان مبنای تجدید ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهر تلقی کرد که هدف آن در درجه اول بهبود شرایط زندگی شهری، مشارکت تمام شهروندان، سامان‌مند کردن اقتصادی شهر و تقویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری است و دارای خطوط کلی است از جمله:

- رفع نیازهای اقتصادی شهروندان (فراهم‌نمودن اشتغال و خدمات شهری مناسب)؛

- رفع نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان (فراهم‌نمودن تسهیلات فرهنگی و اجتماعی)؛

- رفع نیازهای زیست‌محیطی شهروندان (فراهم‌نمودن محیط زیست سالم و پایدار)؛

-رفع نیازهای سیاسی شهروندان (فراهم نمودن زمینه‌های مشارکتی سیاسی شهری). بر این اساس اجرای پروژه توسعه شهری یک فعالیت جمعی است (محسنی تهریزی و آقامحسینی، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

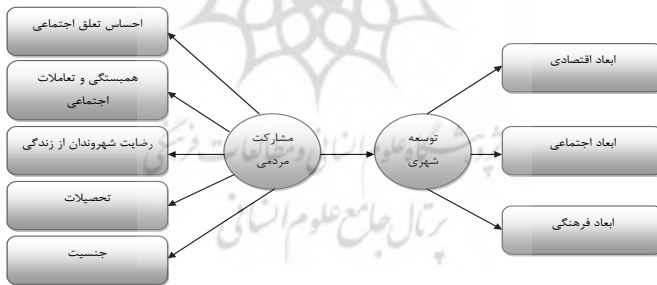
پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی نقش مشارکت مردمی در توسعه پایدار شهری پژوهش‌های بصورت مجزا صورت گرفته است: گیوی و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی به عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهر بندر عباس)» به این نتیجه رسیده‌اند که بین احساس تعلق اجتماعی، رضایت شهروندان، اعتماد نهادی، رسانه‌های ارتباط جمعی و جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد. حقیقتیان و حیدرخانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به توسعه شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)» به این نتیجه دست یافتند که بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دوغایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای انگیزشی مشارکت مردم در توسعه پایدار محله‌ای» که با استفاده از نظریات سلسله مراتب نیازهای آبراهام مازلو انجام داده است، ثابت می‌کند که مهمترین عامل انگیزشی برای مشارکت شهروندان در ابتدا مهیا بودن نیازهای اولیه زندگی و رضایت ایشان از رفاه در محله خود می‌باشد. بردی‌آناردنژاد و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل)» این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت ضعیف شهروندان آمل در توسعه پایدار شهری، وجود تفاوت معنادار میان سابقه سکونت شهروندان و تمایل به مشارکت در این شهر و نیز تفاوت میان تمایل به مشارکت مردم از نظر وضعیت

شغلی و تحصیلی‌شان می‌باشد. حسینی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر سبزوار)» به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش میزان مشارکت شهروند در فرآیند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت توسعه شهر، بر میزان رضایتمندی فرد از زندگی نیز افزوده می‌شود. رجبی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه‌ی شهری» به این نتیجه رسیده است که مشارکت از دو جهت تأثیر اساسی در فرآیند طرح‌های توسعه دارد. نخست اینکه مشارکت یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم‌گیری درست محسوب می‌شود. دوم اینکه مشارکت تنها راه بهره‌گیری از تمامی امکانات طبیعی و انسانی شهر و شهروندان در جهت طرح‌های توسعه شهری است. نظریان و شوهانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروندمدار در ایلام» به این نتیجه رسیده‌اند که نواحی شهر ایلام از منظر شهروندمدار (مشارکت و...) نتایج چندان مطلوبی نداشته و این موضوع نشانگر آن است که شهر ایلام بر اساس اصول شهروندمداری اداره نمی‌شود. که در این میان تقویت روحیه مشارکت و شهروندمداری از عواملی هستند که می‌تواند این نظم در هم ریخته را انتظام بخشد. سجادی و دیگران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله دولاب تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که محله دولاب به دلیل وجود مؤلفه‌های هویت محله‌ای، مشارکت جویی بالا، وجود سرمایه اجتماعی و همبستگی در بین ساکنین و وجود نهادهای محلی و مردمی و مخصوصاً مذهبی، پتانسیل خوبی برای تحقق بهسازی مشارکتی دارد. توکلی‌نیا و استادی (۱۳۸۸)؛ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک» با استفاده از روش

سلسله مراتبی AHP، مقایسه عوامل پایداری محله نشان می‌دهد که محله‌های درکه و اوین به ترتیب از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ولنجک از نظر کالبدی در سطح بالاتر پایداری قرار دارند. همچنین با توجه به عملکردی شورایی‌ها، محله اوین با شناخت بیشتر مردم و به دلیل ارتباط تنگاتنگ هم محله‌ای‌ها با یکدیگر، فعالیت بیشتری داشته و در جهت تحقق اهداف سند توسعه محله‌ای گام‌های مؤثری برداشته است. به طوری ۸۰ درصد ساکنان اوین و ۷۵ درصد از ساکنان درکه عملکرد شورایی‌های محله‌شان را کاملاً تأثیرگذار ارزیابی کرده‌اند.

با توجه به ابعاد توسعه شهری (ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)؛ متغیرهای مستقل (احساس تعلق اجتماعی، همبستگی و تعاملات اجتماعی، رضایت شهروندان از زندگی، جنسیت و تحصیلات) و متغیر وابسته (مشارکت مردمی در توسعه شهری)، شاخص‌های آن در غالب مدل مفهومی تحقیق به صورت شکل (۲) طراحی شده است.



شکل (۲): مدل مفهومی تحقیق

منبع: نگارنده (۱۳۹۶)

شهر ایلام مرکز و مهمترین شهر در شمال استان واقع شده است. شهر ایلام از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و از نظر موقعیت محلی در مغرب ایران قرار دارد. شهر ایلام مرکز استان ایلام است. این شهر در دره کوهستانی و در شمال شرقی دشتی به مساحت تقریبی ۲۵ کیلومتر مربع در دامنه جنوبی کبیرکوه از سلسله جبال زاگرس واقع شده است. وسعت شهر با محدوده تعریف شده طرح جامع می‌باشد. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۱۴۴۰ متر می‌باشد (مهندسان مشاور بعد تکنیک، ۱۳۸۴: ۱۵). جمعیت این شهر بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی برابر با، ۱۹۴۰۳۰ نفر بوده است. شهر ایلام به ۴ منطقه و ۱۴ ناحیه شهری و ۳۸ محله تقسیم شده است (شهرداری ایلام، ۱۳۹۵). تصویر (۱) محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل (۳): محدوده شهر ایلام

منبع: شهرداری ایلام (۱۳۹۲)

هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق مشخص کند چه شیوه و روشی اتخاذ نماید تا او را هرچه دقیق‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش یا پرسش‌های تحقیق مورد نظر کمک نماید (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۵). روش انجام مطالعه در این تحقیق با توجه به ماهیت کار مبتنی بر روش توصیفی^۵ تحلیلی می‌باشد. جهت‌گیری اصلی این پژوهش کاربردی است. مبنای نظری و پیشینه تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است. جامعه آماری این پژوهش را ساکنان محلات سطح شهر ایلام تشکیل می‌دهند. جمعیت شهر ایلام بر اساس آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۵، ۱۹۴۰۳۰ نفر برآورد شده است که تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران که یکی از دقیق‌ترین فرمول‌هاست (رفع‌پور، ۱۳۷۵: ۳۸۳) تعداد پرسشنامه‌های سطح شهر ایلام تعیین گردید. ضرایب آلفای کرونباخ همه متغیرها ۰/۹۷۴ هست که نشانگر تأیید پایایی بالای پرسشنامه است. روایی آن صوری می‌باشد یعنی این پرسشنامه توسط اساتید و کارشناسان این حوزه مورد تأیید قرار گرفته. شیوه‌ی نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده صورت گرفته است. محدوده مکانی این تحقیق، مناطق شهر ایلام و از نظر زمانی، سال ۱۳۹۶ می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار لیزرل و SPSS و آزمون آماری معادلات ساخته شده و همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

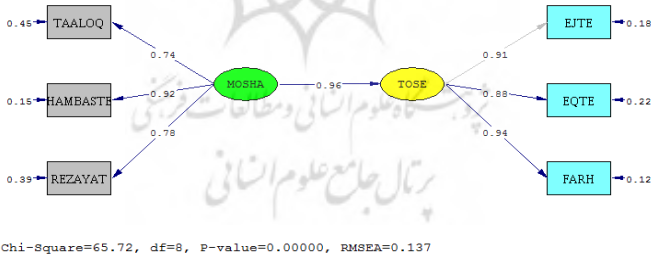
یافته‌های تحقیق

اطلاعات جمعیت‌شناختی: از میان تمام پاسخگویان تعداد ۲۰۲ نفر از پاسخگویان معادل ۵۲/۶ درصد مرد و ۱۸۲ نفر معادل ۴۷/۴ درصد زن هستند. ۳۵ نفر از ساکنان معادل ۹/۱ درصد (کمتر از ۳۰ سال) سن دارند، ۱۵۶ نفر معادل ۴۰/۶ درصد بین (۳۱ تا ۴۰ سال)، ۱۲۸ نفر معادل ۳۳/۳ درصد بین (۴۱ تا ۵۰ سال)، ۶۵ نفر معادل ۱۶/۹ درصد (بالای ۵۱ سال) سن دارند. اکثریت ساکنان پاسخگو بین ۳۱ تا ۴۰ سال

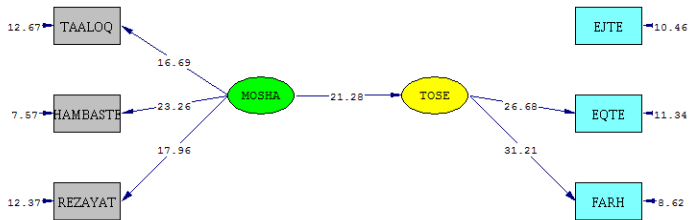
سن دارند. تعداد ۲۴۲ نفر از پاسخگویان معادل ۶۳ درصد متأهل و ۱۴۲ نفر معادل ۳۷ درصد مجرد هستند. ۵۸ نفر از پاسخگویان معادل ۱۵/۱ درصد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم هستند، ۷۰ نفر معادل ۱۸/۲ درصد فوق دیپلم، ۱۰۸ نفر معادل ۲۸/۱ درصد لیسانس و ۱۰۹ نفر معادل ۲۸/۴ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۳۹ نفر معادل ۱۰/۲ درصد دکترا و بالاتر هستند. با توجه به این نتایج تحصیلات اکثر پاسخگویان فوق لیسانس می باشد. ۱۶۰ نفر از پاسخگویان معادل ۴۱/۷ درصد دارای شغل آزاد هستند، ۱۱۴ نفر معادل ۲۹/۷ درصد کارمند دولتی، ۴۴ نفر معادل ۱۱/۵ درصد کارمند خصوصی، ۲۹ نفر معادل ۷/۶ درصد دانشجو، ۱۲ نفر معادل ۳/۱ درصد بازنشسته، ۱۳ نفر معادل ۳/۴ درصد خانه دار و ۱۲ نفر معادل ۳/۱ درصد بیکار هستند. با توجه به این نتایج شغل اکثر پاسخگویان آزاد می باشد.

آمار استنباطی: مدل ساختاری فرضیه اصلی تحقیق در حالت استاندارد و معنادار

ارائه شده است:



شکل (۴): مدل در حالت تخمین استاندارد



Chi-Square=65.72, df=8, P-value=0.00000, RMSEA=0.137

شکل (۵): مدل در حالت ضرایب معناداری

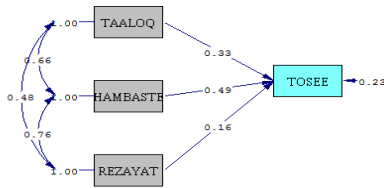
فرضیه اصلی: مشارکت مردمی در توسعه شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۱): نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه اصلی

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	T-value	ضریب استاندارد
رد H0	توسعه شهری	مشارکت مردمی	۲۱/۲۸	۰/۹۶

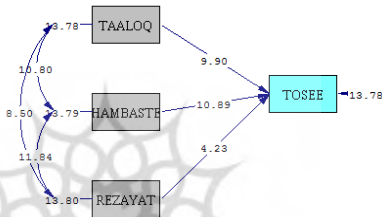
بر اساس جدول فوق ضریب استاندارد بین دو متغیر مشارکت مردمی و توسعه شهری برابر با ۰/۹۶ است، و با توجه به t بدست آمده (۲۱/۲۸) که بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد، پس می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت مردمی و توسعه شهری تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد. از این رو فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید است.

مدل ساختاری فرضیه های فرعی تحقیق در ادامه در حالت استاندارد و معنادار ارائه شده است:



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل (۶): مدل در حالت تخمین استاندارد



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل (۷): مدل در حالت ضرایب معناداری

فرضیه فرعی اول: احساس تعلق اجتماعی در میزان مشارکت ساکنان در توسعه شهر ایلام تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۲): نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه فرعی اول

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	T-value	ضریب استاندارد
H0 رد	میزان مشارکت در توسعه شهر ایلام	احساس تعلق اجتماعی	۹/۹۰	۰/۳۳

بر اساس جدول فوق ضریب استاندارد بین دو متغیر تعلق اجتماعی و میزان مشارکت آنها در توسعه شهر ایلام برابر با $0/33$ است، و با توجه به t بدست آمده ($9/90$) که بزرگتر از $1/96$ می باشد، پس گفت که احساس تعلق اجتماعی در میزان مشارکت ساکنان در توسعه شهر ایلام تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: همبستگی و تعاملات اجتماعی مردمی در میزان تمایل ساکنان به مشارکت در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۳): نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه فرعی دوم

ضریب استاندارد	T-value	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نتیجه آزمون
$0/49$	$10/89$	همبستگی و تعاملات اجتماعی مردمی	میزان مشارکت در توسعه شهر ایلام	رد H_0

بر اساس جدول فوق ضریب استاندارد بین دو متغیر همبستگی و تعاملات اجتماعی و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهر برابر با $0/49$ است، و با توجه به t بدست آمده ($10/89$) که بزرگتر از $1/96$ می باشد، پس می توان نتیجه گرفت که همبستگی و تعاملات اجتماعی مردمی در میزان تمایل ساکنان به مشارکت در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: سطح رضایتمندی مردمی از زندگی شان در میزان مشارکت آنها در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۴): نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه فرعی سوم

ضریب استاندارد	T-value	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نتیجه آزمون
۰/۱۶	۴/۲۳	سطح رضایتمندی مردمی از زندگی شان	میزان مشارکت در توسعه شهرایلام	رد H0

بر اساس جدول فوق ضریب استاندارد بین دو متغیر سطح رضایتمندی مردمی از زندگی شان و میزان مشارکت در توسعه شهرایلام برابر با ۰/۱۶ است، و t بدست آمده (۴/۲۳) که بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد، می توان گفت سطح رضایتمندی مردم از زندگی شان در میزان مشارکت آنها در توسعه شهر تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه چهارم: بین جنسیت افراد و میزان مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول (۵): نتایج ارتباط بین جنسیت و میزان مشارکت

نوع آزمون	مؤلفه	اعتبار	سطح معنی داری
اسپیرمن	جنسیت میزان مشارکت	۰/۲۲۴	۰/۰۳۳

با توجه به سطح معنی داری نتایج نشان می دهد که متغیر جنسیت با اعتبار (۰/۲۲۴) و سطح معناداری (۰/۰۳۳) که بیشتر از ۰/۰۵ درصد خطا می باشد، لذا فرض پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان مورد قبول واقع نشده، لذا بین جنسیت افراد و میزان مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین تحصیلات افراد و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول (۶): نتایج ارتباط بین تحصیلات و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهری

نوع آزمون	مولفه	اعتبار	سطح معنی داری
اسپیرمن	میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهری	۰/۱۷۴	۰/۰۴۹

با توجه به سطح معنی داری نتایج نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات با اعتبار (۰/۱۷۴) و سطح معناداری (۰/۰۴۹) که کمتر از ۰/۰۵ درصد خطا می‌باشد، لذا فرض پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید است، لذا بین دو متغیر تحصیلات و میزان تمایل آنها به مشارکت در توسعه شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری کشور، بحث مشارکت پایدار مردم در همه بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری است. به طوری که در دنیای امروز توسعه پایدار یک کشور متناسب است با میزان به کارگیری و مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها، فعالیت‌ها و امور شهری. مشارکت مردمی به عنوان مهمترین عامل در توسعه شهری به شمار می‌رود. اگر شهروندان در شکل‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها دخالت مستقیم داشته باشند و به آن احساس تعلق نمایند نهایتاً می‌تواند منجر به موفقیت گردد. بطوری که بدون مشارکت مردم، توسعه شهری امکان‌پذیر نیست. در واقع، توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی شهر از ابعاد مختلف در جهت دستیابی

به همه شهروندان به زندگی بهتر، به نحوی که پایداری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و زیست‌محیطی شهر فراهم آید. توسعه شهری در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است. پس بنابراین توجه به مشارکت مردمی، نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. چرا که مدیران شهری یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در مدیریت شهری به آن نیاز دارند، همکاری و تعاون مردم است. شهر ایلام نیز از این مقوله مستثنی نیست. به طوری که این پژوهش به منظور بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهر ایلام صورت گرفته است. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها حاکی از آن داشت که فرضیه‌های مطرح شده در پژوهش مورد تأیید قرار گرفت به طوری که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در توسعه شهر ایلام مشارکت مردمی تأثیرگذار بوده است. با توجه به اینکه همه فرضیه‌ها ضرایب معنادار بودن آنها بزرگتر از ۱/۹۶ شده‌اند. بنابراین فرضیه‌ها مورد تأیید می‌باشند. به عبارتی مشارکت مردمی، تعلق اجتماعی و میزان مشارکت آنها، همبستگی و تعاملات مردمی، سطح رضایتمندی مردمی از زندگی‌شان و تمایل به مشارکت، جنسیت و تحصیلات در توسعه شهر دارای تأثیر مثبت و معناداری می‌باشند. نتایج فرضیات پژوهش حاضر با تحقیق گیوی (۱۳۹۴)، حقیقتیان وحیدرخانی (۱۳۹۳)، دوغایی (۱۳۹۲)، حسینی و دیگران (۱۳۹۱)، سجادی و دیگران (۱۳۹۰) و توکلی‌نیا و استادی (۱۳۸۸) در یک راستا و نتایج آنها را تأیید می‌کنند. نتایج تحقیق بردی‌انامرادنژاد و دیگران (۱۳۹۲) و نظریان و شوهانی (۱۳۹۰) با نتایج این پژوهش در یک راستا نمی‌باشند. از این رو با توجه به پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادات حاصل از تحقیق را بطور زیر مطرح کرد:

- توسعه امکانات فرهنگی و اجتماعی در شهر، جهت بالا بردن روحیه تعاون و همکاری شهروندان؛
- نظرخواهی از شهروندان در خصوص اجرای طرح‌های شهر؛
- تبادل اطلاعات بین نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های دخیل در امر توسعه شهر؛
- ایجاد زمینه‌های لازم در جهت مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف توسعه شهری؛ به ویژه سعی شود که مشارکت غیررسمی مردم تقویت گردد.



منابع

- ادریسی، افسانه و شجاعی، مرجان؛ (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح‌های توسعه شهری (نمونه موردی: پیاده‌راه‌سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲)».
- بردی‌آناردنژاد، رحیم، بوذری، سیما و سودابه حسینی دوست؛ (۱۳۹۲)، «نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل)»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره سوم، تابستان، صص ۱۳۸-۱۲۷.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و دیگران؛ (۱۳۸۷)، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- توکلی نیا، جمیله و منصور استادی سیسی؛ (۱۳۸۸)، «تحلیل پایداری محله های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایاری ها نمونه موردی: محله های اوین، درکه و ولنجک»، پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۰، زمستان، صص ۴۳-۲۹.
- جمشیدزاده، ابراهیم و غلامرضا غفاری؛ (۱۳۹۰)، مشارکت های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت مردمی، انتشارات جامعه و فرهنگ، اداره کل معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، چاپ باران، چاپ اول، تهران.
- حسینی، سیدهادی، قدرتی، حسین، سیدحمید، جوادیان؛ (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر سبزوار)»، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
- حقیقتیان، منصور و هابیل حیدرخانی؛ (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به توسعه شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)»، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره بیستم، بهار، صص ۸۸-۶۷.
- حناچی، سیمین و وراز مرادی مسیحی؛ (۱۳۸۰)، مشارکت مردمی در برنامه ریزی و توسعه شهری، شهر سازی مشارکتی، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- دانشپور، عبدالهادی و دیگران؛ (۱۳۸۸)، «بررسی نقش مشارکت شهروندان در اجرای طرح های نوسازی بافت فرسوده»، فصلنامه پژوهش مدیریت شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۶۰-۷۰.
- دوغایی، محمد؛ (۱۳۹۲)، «راهکارهای انگیزشی مشارکت مردم در توسعه پایدار محله ای»، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مؤسسه آموزش عالی خاوران، مشهد.
- رجیبی، آریتا؛ (۱۳۹۰)، «شیوه های مشارکت شهروندی در فرآیند توسعه شهری»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، ۱۱۶-۱۰۱.
- رفیع پور، فرامرز؛ (۱۳۷۵)، «کندوکاوها و پنداشت ها»، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- رهنما، محمدرحیم؛ (۱۳۷۷)، «جدایی گزینی فضایی - مکانی شهری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول.
- سجادی، ژیلدا، پورموسوی، سید موسی، اسکندپور، مجید؛ (۱۳۹۰)، «بهسازی ونوسازی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله دولاب تهران)»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۴، ۱۶۴-۱۴۳.
- شرفی، مرجان، رشیدی فر، فاطمه، برک پور، ناصر؛ (۱۳۸۷)، «مشارکت مردمی در تهیه طرح های ساماندهی و توسعه محله ای (نمونه موردی: محله امیرآباد-گلها)»، فصلنامه معماری و شهرسازی، فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۲، بهار و تابستان.
- شریفیان ثانی، مریم؛ (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- شهرداری ایلام، (۱۳۹۲) و (۱۳۹۵).
- علوی تبار، علیرضا؛ (۱۳۷۹)، «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول (تجارب جهانی و ایران)»، تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر؛ (۱۳۷۵)، «شهرها فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی»، تهران: اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری تهران.

- گیوی، مجید، علی پور، سمیره، نظری، صفیه و رضا اقامتی گشتی؛ (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهر بندر عباس)»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال نهم، شماره ۴، پیاپی (۳۱).
- لنگرودی، سیدحسین، سخایی، فاطمه؛ (۱۳۸۸)، «مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۰.
- محسنی تبریزی، علیرضا و مریم آقاحسنی؛ (۱۳۸۹)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری (مورد پژوهشی: شهر محلات)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۶.
- مرادی؛ (۱۳۸۰)، «مشاور مازند طرح توسعه شهری در استان مازندران»، مجموعه مقالات چهارمین همایش تخصصی بافت‌های فرسوده شهری، تهران: سازمان ملی و مسکن.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین، (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران»، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- معصومی، سلمان؛ (۱۳۹۰)، «توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران»، مدیریت شهری و شهر تهران ۲، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، نشر جامعه و فرهنگ، چاپ باران.
- معنی، منوچهر؛ (۱۳۸۲)، «مشارکت اجتماعی در ایران»، چاپ اول، تهران: انتشارات آرون.
- میرموسوی، سیدعلی؛ (۱۳۷۵)، «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی»، نقد و نظر، شماره ۳ و ۴، قم.
- مهندسین مشاور بعدتکنیک؛ (۱۳۸۴)، «گزارش توجیهی در مورد اقی طرح جامع ایلام»، سازمان مسکن و شهرسازی استان ایلام.
- میرزاابوبالی، عباس؛ (۱۳۸۵)، «مؤلفه‌های اجتماعی توسعه شهری»، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۲۵۳، روز ۲۲ آذر.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی؛ (۱۳۸۵)، «روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم انسانی)»، تهران، انتشارات بدر.

- نجاتی‌حسینی، سیدمحمد؛ (۱۳۸۱)، «برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (مسائل نظری و چالش‌های تجربی)»، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- نظریان، اصغر و شوهانی، نادر؛ (۱۳۹۰)، «توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروندمدار در ایلام»، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۵۱-۱۳۴.
- Arnstein, Sherry R., (1969), A Ladder of citizen Participation, *Alp Journal*, pp: 216-224.
- Andrews Patricia & Herschel Richard, (1997), *Organizational Communication: Empowerment in a Technological society*, Delhi Houghton Mifflin, Co.
- Delli Priscoli, (2003), *Jerme: Participation Consensus Building and Conflict Management Training*, UNESCO.
- Gans, Herbert J, (1969), Planning for People, not Buildings, *Environment and Planning Journal*, Vol. 1, pp. 33-46.
- Sanoff, Henry, (2000), *Community Participation Methods in Design and Planning*, John Wiley & Sons, INC.
- Wang, Xiaojun and Zhenrong Yu, (2008), Steve cinderdy, *John Forrester*, vol. April, 28.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی